فشارها و محدودیت‌های حکومتی یا مردمی بر تصمیم مهاجرتی افغانستانی‌ها به ایران تأثیر چندانی نداشته است

نگاهی به عوامل اثرگذار بر مهاجرت افغان‌ها به ایران

سازمان بین‌المللی مهاجرت اعلام کرده که مقصد حدود ۷۰ درصد از پناهجویان افغانستانی، پس از سقوط دولت سابق، ایران بوده است. طوری که آمار ورود این مهاجران به ایران پس از مرداد ۱۴۰۰ خورشیدی حدود دو و نیم میلیون نفر اعلام شده است. این اتفاق تازگی ندارد و در چهار موج قبلی مهاجرت نیز، آمارهای مشابهی از مهاجرت‌های گروهی افغانستانی‌ها به ایران گزارش شده است. بنابراین، سؤال اصلی این است که در تصمیم‌های گروهی برای مهاجرت به ایران، چه جاذبه‌هایی نهفته است؟

مقالات و یادداشت‌های متعددی در این باب به نگارش درآمده، ازجمله مقاله‌ای با عنوان «عوامل اثرگذار بر مهاجرت افغان‌ها به ایران»، که علیرضا جانزاده، استادیار علوم اجتماعی در قامت نگارنده این متن، نیروی دفع از مبدأ و جذب مقصد را از گرایش‌های عمده مهاجرت دانسته و تأکید کرده: افغانستانی‌ها ایران را برای زندگی مناسب‌تر می‌دانند و ورای تمامی عوامل دخیل مانند افزایش تحصیلات و اقامت طولانی مدت، آنچه مهاجران را به ماندن یا رفتن ترغیب می‌کند، امنیت اقتصادی است. امنیتی که هرچند متأثر از عواملی مانند تحصیلات و اقامت باشد، عمدتا از طریق فعالیت اقتصادی (داشتن شغل و درآمد) حاصل می‌شود. اگرچه وضعیت اشتغال مهاجران از مسائل مهم و جنجال برانگیز برای جامعه میزبان است، اما انگیزه اغلب مهاجران افغانی نه نابسامانی‌های سیاسی اجتماعی در افغانستان، بلکه انگیزه اقتصادی بوده است.

براساس آمار به‌دست‌آمده بیشتر مهاجران با حدود ۷۷ درصد در بخش خدمات ایران مشغول به کار هستند. نیروی انسانی ارزان قیمت و پرتلاشی که به سبب پایین بودن امنیت شغلی هر شرایطی را می‌پذیرند و به‌نسبت کارگران وطنی، جایگزین ارزان‌تری به شمار می‌روند و بنگاه‌های اقتصادی کوچک و بزرگ هم برای کاهش هزینه‌ها آن‌ها را به کار می‌گمارند. اما مسئله آن است که در بحث کلان اقتصادی، کارگران ایرانی حقوقشان را در همین کشور هزینه می‌کنند و با گردش پول، اقتصاد رونق می‌گیرد ولی کارگران اتباع بیگانه دستمزدشان را به دلار یا ارز کشور خود تبدیل کرده و از ایران خارج می‌کنند. گذشته از خروج سرمایه، تقاضای ارز خارجی هم افزایش می‌یابد که آن هم به نوبه خود به اقتصاد کشور لطمه وارد می‌کند. لذا عامل اقتصادی اگرچه برای افغانی‌ها مهم‌ترین محرکه مهاجرت به ایران است اما پیامدهایی برای جامعه مقصد به همراه دارد.

برخی کارشناسان معتقدند، گروهی از مهاجران خارجی به دلیل پایین بودن سطح سواد و نداشتن تخصص مناسب و همچنین ورود غیرقانونی و بدون قاعده آن‌ها و اشتغال بسیاری از فرصت‌های شغلی، نمی‌توانند برای کشور مقصد یعنی ایران مفید باشند. درحالی که یک فرد افغانستانی شاغل در ایران می‌تواند به‌آسانی خانواده‌ای به‌جای مانده در افغانستان را اداره کند. ازاین‌رو انگیزه‌های اقتصادی برای ماندگاری افغان‌ها در ایران قوی است. فقر و گرسنگی، بی‌خانمانی و تشدید فلاکت اقتصادی و به‌طورکلی مشکلات اقتصادی و اجتماعی که حاصل ۲۳ سال جنگ داخلی در افغانستان است، ازجمله عوامل بی‌ثباتی اجتماعی و سیاسی در این کشور است و کمبود یا نبود مواد غذایی و نبود سوخت برای زمستان رغبت برای ماندگاری در ایران را تقویت کرده است.

تمایل یا عدم تمایل به بازگشت

نگارنده در بخش دیگری از این مقاله، تصریح می‌کند که مهاجران نظرات متفاوتی درباره ماندگاری در ایران یا بازگشت به افغانستان دارند. براساس آمار اخذ شده و باتوجه به استان‌هایی که اطلاعات آن‌ها در دست است؛ ۴۷٫۸ درصد مهاجران کل کشور، برای بازگشت به کشورشان تمایلی ندارند که می‌توان دلایل متعددی را ازجمله خوگرفتن با محیط ایران، ادامه تحصیل، داشتن همسر ایرانی، نبود امکانات و موقعیت زندگی در افغانستان برشمرد. در مرتبه دوم ۲۹٫۳۶ درصد مهاجران کل کشور نیز برای بازگشت اظهار تمایل کرده‌اند. گروهی از افراد پس از ترک وطن و اقامت در کشوری دیگر، باگذشت زمان راغب‌اند به زادگاه و وطن خویش بازگردند. در مرتبه سوم ۱۳٫۴۸ درصد از مهاجران کل کشور هم گرایش خود را برای بازگشت به کشورشان یا کشوری ثالث اظهار داشته‌اند و سرانجام ۹٫۳۷ درصد مهاجران کل کشور برای رفتن به کشور ثالث ابراز تمایل کرده‌اند. حدود نیمی از مهاجران خارجی رغبتی برای بازگشت به کشورشان نداشته‌اند که این مسئله می‌تواند در روند طرح بازگشت، به‌ویژه مهاجران افغانی خلل وارد کند.

نگارنده عنوان می‌کند: معمولا اتباعی به کشورشان بازمی‌گردند که مهاجران تازه‌واردند و نه آن‌هایی که مدت‌هاست بنای زندگی نوینی را در پاکستان یا ایران بنا نهاده‌اند. علت این‌که ضرباهنگ بازگشت مهاجران به افغانستان از ایران بسیار کندتر از پاکستان است، این است که مهاجران افغانستانی در ایران توانسته‌اند در برخی مشاغل کاذب و غیررسمی فعالیت کنند. حال این‌که در پاکستان، شمار زیادی از ایشان با وضعیت فقیرانه در اردوگاه‌های (کمپ‌ها) پناهندگان زندگی می‌کنند و فرصتی برای اشتغال در جامعه پاکستان ندارند.

در این مقاله به اظهارات چند جوان مهاجر غیرقانونی افغان در مورد انگیزه آمدن به ایران هم اشاره شده است؛ «جمعه گل عبدالله» می‌گوید: ناچار بودم، در کشورمان خبری از کار و درآمد نیست و «خال محمد» می‌گوید: عبور از مرز ایران به نسبت عبور از مرز سایر کشورهای همسایه بسیار راحت‌تر است.

«ذکریا» هم بیان می‌کند: پول دریافتی حاصل از کار در ایران بسیار بالاتر از پول رایج در افغانستان است. او درعین حال معتقد است که پول ایران در مقایسه با پول کشورهای همجوار دیگر باارزش‌تر است. اما مقوله دیگری که افغانی‌ها به‌واسطه آن بیشتر به ایران مهاجرت می‌کنند، امنیت است. آن‌ها ایران را کشوری امن می‌دانند و در آن احساس راحتی می‌کنند. «محمد نوری» از دیگر مهاجرانی است که انگیزه آمدنش به ایران را امنیت ایران دانسته که به گفته او، به نسبت سایر کشورها بیشتر است. ازسوی دیگر او تأکید می‌کند: ما هروقت بخواهیم می‌توانیم به افغانستان برویم و به‌صورت غیرقانونی به ایران برگردیم و در این راه موانع چندانی نداریم.

نگارنده این مقاله در ادامه به گفت‌وگوی خود با مهاجری ۱۸ ساله پرداخته که به کشورش برگشته است و از او می‌پرسد: خودت خواستی برگردی افغانستان؟ مهاجر پاسخ می‌دهد: آری، تا حالا چهار بار به ایران آمده‌ام و هر بار مدتی کار کرده‌ام و برگشته‌ام. سپس می‌پرسد: اوراق شناسایی آمایش داری؟ جواب می‌دهد: نه. می‌پرسد: چرا به افغانستان برمی‌گردی؟ می‌گوید: چون آنجا وطنم است و خانواده‌ام هنوز آنجا هستند. می‌پرسد: پس چرا چهار بار به ایران آمدی؟ می‌گوید: برای کار و پول درآوردن. می‌پرسد: چطور هر بار از مرز رد شدی، مگر پاسپورت داری؟ جواب می‌دهد: پاسپورت ندارم و سکوت می‌کند. دوست مهاجر ۱۸ ساله به میانه صحبت می‌دود و می‌گوید: من کسانی را می‌شناسم که افغانی‌ها می‌توانند با پرداخت ۵۰۰ تا ۷۰۰ هزار تومان تا سه بار به صورت قاچاقی با آنان به ایران بیایند. می‌پرسد: یعنی چه؟ جواب می‌دهد: یعنی اگر دو بار لب مرز دستگیر و بازگردانده شدی یک بار دیگر فرصت داری که با قاچاقچیان انسان به ایران بازگردی و پولت محفوظ است.

سلیم هم از کسانی است که دو ماهی می‌شود به تهران آمده و پس از ۱۰ روز سفر پر افت و خیز خودش را به تهران رسانده است. او به‌عنوان مهاجر غیرقانونی در ساختمانی کارگری می‌کند. نگارنده مقاله درباره این که چطور وارد ایران شده می‌پرسد و او جواب می‌دهد: از شهرمان تا نیمروز مسافت زیادی نیست ولی از آنجا تا وارد ایران بشویم، یک هفته‌ای طول کشید. هوا سرد بود و به‌خاطر این که مرزبانان ایرانی ما را نبینند، روزها در شیار کوه‌ها پنهان شدیم و شب‌ها راه رفتیم. خیلی سخت بود؛ با چند تکه نان و چند لیتر آب یک هفته گذراندیم تا برسیم به جایی که قاچاق برها بودند. وقتی رسیدیم به محل قرار (در مرز) به قاچاقچی‌ای که ما را آورده بود، هر نفر ۵۰۰ هزار تومان دادیم، در ادامه راننده ۲ ساعت می‌رفت و چند ساعت در بیابان توقف می‌کرد تا پلیس شک نکند. بالاخره بعد از ۲ روز رسیدیم به باغی نزدیک ورامین. نفری یک میلیون به راننده دادیم و چند روز در باغ ماندیم تا این که دوست و فامیل‌ها دنبالمان آمدند.

رویکرد دولت و جامعه ایران به مهاجران

فاصله مهاجران افغانی ازنظر آموزش و تحصیلات با همنوعان در افغانستان بیشتر است. همچنین وضعیت اقتصادی و اجتماعی نسل دوم مهاجران افغانی (متولد در ایران) که مراحل اساسی اجتماعی شدن را در جامعه مقصد تجربه کرده‌اند، در مقایسه با والدین آن‌ها، به مراتب بهتر و نزدیک‌تر به اکثریت جامعه مقصد است. از سوی دیگر، افرادی که از وضعیت اقتصادی خود در ایران رضایت بیشتری دارند، تمایل کمتری برای بازگشت دارند، اما با ساختار کلی جامعه ایران کمتر همانند شده‌اند. بنابراین تمایل به ماندن یا نماندن مهاجر افغانی در ایران، بیش از هرچیز به امنیت اقتصادی وابسته است که او می‌تواند در مقابل شرایط بسیار سخت اقتصادی جامعه مبدأ در ایران به دست بیاورد. رویکرد دولت و جامعه ایران به مهاجران، در جهت‌گیری وضعیت افغان‌ها در ایران مؤثر بوده است. رویکرد خوش‌بینانه ابتدایی، مزایای مهمی را برای مهاجران اولیه به وجود آورد و بسیاری از آن‌ها از امکانات موجود در جهت تقویت خود (افزایش تحصیلات، مهارت‌ها و کیفیت زندگی) استفاده کردند. تغییر رویکرد خوش‌بینانه و مهمان نوازانه با اجبار برای بازگشت به افغانستان، ادامه زندگی مهاجران افغانستانی در ایران را در وضعیت کم‌ترمناسبی قرار داد و آسیب‌پذیری مهاجران (به‌خصوص مهاجران با توان اقتصادی ضعیف) را افزایش داد. باتوجه به وضعیت مهاجران افغانی در ایران، امکان ارتقاء و تقویت انطباق آن‌ها با جامعه ایرانی بسیار ضعیف شده است. به‌طور متقابل، شرایط سخت زندگی در افغانستان، تمکین و پذیرش رویکرد در حاشیه بودن را برای مهاجران به ارمغان آورده است؛ ترکیبی که خود، همانندی مهاجران با طبقات خیلی پایین جامعه (اغلب حاشیه‌نشینان ایرانی) را تقویت می‌کند. تداوم این همانندی رو به پایین که می‌تواند در خلال نسل‌ها به‌صورت گسترده‌تری بازتولید شود، تقویت حاشیه‌نشینی را به همراه دارد و احتمال ناهنجاری‌ها و کجروی‌های اجتماعی را افزایش می‌دهد. علاوه‌برآن احساس عدم پیشرفت و ارتقای مهاجران ممکن است سرمایه اجتماعی به‌دست‌آمده را کاملا در جهت عکس آن، برای تخریب جامعه مقصد به کار گیرد. بنابراین، در شرایطی که بازگشت کامل مهاجران به کشور خود در کوتاه‌مدت دشوار یا غیرعملی باشد، به حاشیه راندن آن‌ها تبعات نامناسب اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را به همراه خواهد آورد.

علت مهاجرت گسترده و دوام‌دار افغانستانی‌ها به ایران

در این میان سید محمد فیروزی، استادیار دانشگاه بغلان افغانستان نیز کوشیده است به جاذبه‌های ایران در تصمیم‌های مهاجرت افغانستانی‌ها به این کشور بپردازد که به بخش‌هایی از آن را در ادامه می‌خوانید.

درطی بیش از چهار دهه، مهاجرت و آوارگی به بخشی از سرگذشت و سرنوشت مردم افغانستان تبدیل شده است. آمارها نشان می‌دهد که درحال حاضر نزدیک به ۳۰ درصد مردم افغانستان در خارج از کشورشان زندگی می‌کنند. رقم کلی کسانی که از آغاز ناآرامی‌های سیاسی و امنیتی با کودتای هفتم ثور/ اردیبهشت سال ۱۳۵۷ خورشیدی چه در داخل کشور و چه در خارج مهاجر شده‌اند، درحدود ۷۰ درصد مردم افغانستان را شامل می‌شود. هیچ شکی نیست که مهاجرت پدیده‌ای جهانی و تاریخی است و درتمام دوره‌های تاریخی انسان‌ها برای بهبود زندگی یا فرار از حوادث و تهدیدات طبیعی یا بشری، اقدام به مهاجرت و جابه‌جای مکانی کرده‌اند. این پدیده چندوجهی و جهان شمول در عصر انقلاب صنعتی شدت بیشتری گرفت و به بخش مهمی از چالش‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی کشورهای صنعتی تبدیل گردید. شواهد نشان می‌دهد که این روند کماکان به جز در دوران جنگ‌های جهانی اول و جنگ جهانی دوم سیر صعودی داشته است. با این همه، مهاجرت گروهی افغانستانی‌ها در دهه ۱۹۸۰-۱۹۷۰ میلادی بزرگترین موج پناهندگی بعد از جنگ دوم جهانی شناخته می‌شود. در این دو دهه (۱۹۸۰-۱۹۷۰) بین ۷ تا ۹ میلیون افغانستانی از وطنشان به دلیل جنگ‌های خشونت‌بار و ویرانگر، سقوط و ظهور زودگذر حکومت‌ها، نابودی بنیان‌های اقتصادی جامعه، خشکسالی پیاپی و تشدید فقر و بیکاری و... مهاجر و آواره شدند. در این میان بخش عمده‌ای از مهاجران که حدود ۹۰ درصد کل مهاجران افغانستانی برآورد می‌شود به کشور ایران و کشور پاکستان کوچ کردند. گزارش‌های رسمی دولت جمهوری اسلامی ایران شمار مهاجران افغانستانی به ایران را در سال ۱۳۵۹ (۲۰۰ هزار) اعلام کرده‌اند و روند مهاجرت افغانستانی‌ها سال به سال افزایش یافته و درسال ۱۳۷۰ این رقم به (۳ میلیون) نفر رسید. هرچند ارقام یادشده مورد تأیید سازمان بین‌المللی مهاجرت نبوده و برخی‌ها معتقدند که در ارائه آمار و ارقام مهاجران افغانستانی به ایران به‌دلایل مشکلات داخلی و تأثیرگذاری بر سیاست‌های خارجی ازجمله امکان تأثیرگذاشتن بر سیاست‌های دولت افغانستان، همیشه اغراق و بزرگ‌نمایی شده است.

اما قدرمسلم این است که دولت و مردم ایران در طول بیش از چهار دهه، از کم‌وبیش ۲۰۰ هزار تا ۵ میلیون مهاجر و پناهنده افغانستانی میزبانی کرده است. سؤال اصلی این جستار به این موضوع اشاره دارد که براساس قوانین مهاجرت روانشتاین که به دافعه‌های مبدأ و جاذبه‌های مقصد توجه دارد و نظریه اورت لی که به عوامل بازدارنده و برانگیزنده مبدأ و مقصد می‌پردازند، مهاجرت گسترده و دوام‌دار افغانستانی‌ها به ایران با کدام یک بیشتر قابل تبیین است؟ مخصوصا جاذبه‌های مقصد برای این مهاجران چیست؟

سیاست‌های مهاجرتی ایران؛ از درهای باز تا درهای بسته

سیاست‌های مهاجرتی جمهوری اسلامی ایران در قبال مهاجران افغانستانی با فراز و فرودهای (از درهای باز تا درهای بسته) همراه بوده است. سیاست‌های مهاجرتی ایران نسبت به مهاجران افغانستانی، در اوایل انقلاب اسلامی ایران و با آغاز مهاجرت گروهی افغانستانی‌ها در پی تهاجم و تجاوز ارتش سرخ (شوروی سابق) با رویکرد استقبال و خوش آمدگویی به همراه بوده که بخش مهم آن متأثر از فرمایش‌های حمایتی رهبر فقید جمهوری اسلامی ایران (امام خمینی ره) و ایدئولوژی اسلامی (اسلام مرز ندارد) پشتیبانی می‌شد. دوره سیاست‌های محدودکننده و درهای بسته نیز با پایان جنگ ایران و عراق و همچنین شکست ارتش سرخ شوروی از افغانستان آغاز شد که در آغاز این دوره علاوه بر بازگشت دادن حدود یک و نیم میلیون مهاجر افغانستانی به کشورشان، سیاست‌های محدودکننده و فشارهای دولتی و مردمی بر مهاجران شروع شد. نکته مهم این است که حتی در دوره سیاست‌های فشار حداکثری بر مهاجران یا دوره درهای بسته، مهاجرت افغانستانی‌ها به ایران کاملا قطع نشده و نیز با شروع جنگ‌های داخلی و باروی کارآمدن امارت اسلامی طالبان، بازگشت کننده‌های قبلی با جمعی دیگر دوباره وارد ایران شدند. یعنی فشارها و محدودیت‌های حکومتی یا مردمی بر مهاجرت و تصمیم مهاجرتی افغانستانی‌ها به ایران تأثیر چندانی نداشته است. سیاست درهای بسته و اعمال فشارهای حداکثری تا اوایل دهه نود خورشیدی ادامه یافت و در این دهه بنا به بسیاری از ملاحظات، سیاست ساماندهی آغاز گردید که تاکنون ادامه دارد. آغاز و پایان این داستان هرچه باشد؛ فقدان نگاه راهبردی، یکپارچه، منفعت محور و ثبات در این سیاست‌ها برجسته است.

جاذبه‌های مقصد

اما جاذبه‌های مهاجرتی ایران، برای مردم افغانستان بسیارند. این یادداشت، به چند مورد مهم آن به‌صورت مختصر اشاره می‌کند؛

۱- اماکن مذهبی

افغانستانی‌های شیعه‌مذهب طی قرون متمادی برای زیارت اماکن مقدسه به ایران می‌آمدند. حتی قبل از جدا شدن افغانستان و ایران (مشخص شدن مرزهای سیاسی و تعریف دولت‌های متمرکز ملی)، از سراسر جغرافیای فعلی افغانستان، کسانی برای زیارت به جغرافیای فعلی ایران سفر می‌کرده‌اند. تعدادی بنا به برخی از جاذبه‌ها برنمی‌گشتند. تعدادی دست به خویشاوندی زده و رفت و برگشت همیشگی داشته‌اند. باروی کار آمدن جمهوری اسلامی ایران و افزایش شیعه‌گری در افغانستان (آزاد شدن مناسک شیعی)، تمایل به سفرهای زیارتی نیز افزایش یافت.

۲- گفتمان فراملی امام خمینی (ره)

از ابتدای تجاوز شوروی سابق به افغانستان، انقلاب اسلامی در ایران به پیروزی رسید. امام خمینی (ره) با جهان بینی فراسرزمینی درصدد وحدت امت اسلامی و رهایی ملت‌های مسلمان از استعمار و گرفتاری‌های آن بود و شعار «اسلام مرز ندارد» و جمهوری اسلامی ایران موظف است تا به داد همه ملت‌های مستضعف اسلامی در جهان برسد؛ جاذبه‌هایی را برای مهاجران افغانستانی ایجاد کرده است. درتحت حمایت همین شعار بود که میلیون‌ها پناهنده افغانستانی - درجریان تهاجم شوروی و مقاومت مسلحانه مردم - در کف جامعه ایران رسوب کردند.

۳- نزدیکی مسافت

ایران و افغانستان بیش از ۹۵۰ کیلومتر مرز مشترک دارد. علاوه بر این، دو شهر مهم ایران و افغانستان (هرات و مشهد) به اندازه‌ای نزدیک است که اگر کسی بخواهد روزانه دوبار با ماشین می‌تواند بین این دو شهر رفت‌وآمد داشته باشد. بنابراین، نزدیکی مسافت، مرز طولانی و امکان عبور و مرور غیرقانونی در این مرز به جاذبه مهاجرتی در این کشور کمک کرده است. زیرا، مسافت کوتاه، عدم امکان زندانی شدن و یا شلیک در مرز، بازدید اقوام و دوستان، یافتن کار و... جاذبه‌هایی است که در مقابل هزینه ناچیز، مهاجرت به ایران را رقم می‌زند.

۴- شبکه‌های مهاجرتی

مردم افغانستان بنابه داشتن سابقه طولانی مهاجرت در ایران، دارای شبکه‌های وسیع مهاجرتی در این کشور است. این شبکه‌ها به علت خویشاوندی با مردم ایران تقویت شده است. بدون تردید می‌توان ادعا کرد که هیچ فرد و خانواده‌ای را نمی‌توان یافت که یکی از اقارب آن در ایران زندگی نکرده باشد. چنین شبکه‌های گسترده و مطمئن خود به جذب مهاجران کمک کرده است. شبکه‌های اجتماعی - خانوادگی از تشویق کننده‌های اصلی برای تصمیم‌های مهاجرتی است. این شبکه‌ها روابطی است که به نحوی سرمایه اجتماعی نیز محاسبه می‌شود و به گسترش مهاجرت می‌انجامد، زیرا: الف- هزینه‌ها کاهش پیدا می‌کند.

ب- خطرها، تهدیدات، فقدان اطلاعات، بی‌اعتمادی‌ها و... کم می‌شود.

۵- مشترکات فرهنگی

بسیاری معتقدند که کمتر می‌توان دو کشور را یافت که مانند ایران و افغانستان به هم شبیه و نزدیک و اشتراکات و شباهت‌های فرهنگی، زبانی، دینی، مذهبی، تاریخی، سوابق قومی و نژادی و حتی طبیعی و منطقه‌ای داشته باشند، به‌گونه‌ای که یک افغانستانی در ایران یا یک ایرانی در افغانستان احساس غربت نمی‌کند و آنجا را سرزمین خویش می‌پندارد. زبان مشترک، عقاید و باورها، سبک زندگی، ذائقه‌ها و ده‌ها و بلکه صدها عنصر مشترک فرهنگی در میان دو ملت وجود دارد که از جذبه‌های اصلی مهاجرتی محسوب می‌شوند.

۶- اشتغال و کاریابی

یافتن کار و کسب درآمد از مهم‌ترین دغدغه‌ها برای تصمیم‌های مهاجرتی است. مهاجران وقتی وارد کشورهای جهان اول هم می‌شوند، سال‌ها برای یافتن شغل مشکل دارند، اما مهاجران افغانستانی حتی همان روز ورود به ایران، جذب بازار کار می‌شوند. دوقطبی شدن بازار کار (بخشی از مشاغل ویژه مهاجران افغانستانی شده است)، نیاز بازار کار ایران، تعهد و وجدان کاری بالای این مهاجران، مشترکات فرهنگی و زبانی، کم توقع بودن این مهاجران و دلایل دیگر در اشتغال یابی این مهاجران کمک کرده است.

۷- کارکردهای دوسویه مهاجرت

شکی نیست که بازار کار ایران به کارگران افغانستانی نیاز دارد. صنعت معادن، کیف و کفش، عمران، کشاورزی، دامداری، رفتگری و چرخ ده‌ها مورد دیگر عمدتا به‌وسیله کارگران افغانی به چرخش درمی‌آید. اگر به فرض روزی این مهاجران در ایران نباشند، براساس تحلیل‌ها، هزینه‌های تولید برخی اقلام تا چند برابر افزایش خواهد یافت. از طرف دیگر، این مهاجران به دلیل دافعه‌های مبدأ نیاز به زندگی در این کشور دارند.

جمع بندی

ایران از مقاصد اصلی مهاجران افغانستانی بوده و خواهد بود. کمتر افغانستانی پیدا می‌شود که دستکم یک بار به ایران سفر نکرده باشد و باجرئت می‌توان ادعا کرد که هیچ کسی را نمی‌توان یافت که یکی از اقارب آن در ایران زندگی نکرده باشد. به طوری که آمارها حاکی از حضور ۵ میلیون افغانستانی در ایران است. این آمار، جمعیت حدود ۱۰ استان افغانستان را تشکیل می‌دهد. اما باید در نظر داشت که مهاجران خارجی به انحای مختلف وارد ایران شده‌اند. آمار اخذ شده نشان می‌دهد، ۹۳٫۱۲ درصد آنان به طور غیرقانونی از مرزهای کشور خودشان به ایران آمده‌اند. بنابراین اکثریت شایان توجه آن‌ها به‌طور غیرقانونی و بدون مجوز رسمی وارد شده‌اند که این مسئله مشکلات عدیده‌ای را ایجاد کرده است. وقتی مهاجران غیرقانونی برای گرفتن مجوز اقامت مراجعه نمی‌کنند، نمی‌توان آن‌ها را شناسایی و در صورت ارتکاب جرم تحت تعقیب قرار داد. هم اکنون خلأهای قانونی و نبود نظارت بر اتباع غیرمجاز مشکلات اجتماعی بسیاری را پدید آورده است. بیشتر اتباعی که به اتهامات مختلف دستگیر می‌شوند، جزو کسانی هستند که غیرقانونی وارد کشور شده‌اند و گروه‌های تبهکاری را تشکیل داده‌اند. براساس اظهارنظر پلیس حدود ۱۳ درصد از قتل‌های عمد را اتباع خارجی در ایران مرتکب می‌شوند. ضمن آنکه ۶۹ درصد کودکان کار در ایران به جامعه مهاجران با منشأ غیرایرانی تعلق دارند و تبعات و پیامدهای این مسئله در آینده نگران کننده است و باید مسئله ساماندهی را به صورت جدی در دستور کار قرار داد.

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۰۱۰۵۳۰۰۱۱۲۵ مورخ ۱۴۰۲/۶/۹ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کهریزک تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضی آقای جمشید گلگوهی فرزند حسن به ش.ش ۴۷۲ صادره از ورامین در یک دانگ و نیم مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۳۳۴۰۰ مترمربع در قسمتی از پلاک ۱۰۲ فرعی از ۱۵۵ اصلی در ازای خریداری عادی از مالک رسمی آقای محمدرحیم محبوب فریمانی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌گردد در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۷/۲۶
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۸/۱۱ م الف ۷۲۰

سیدمحسن سادات حسینی
رئیس ثبت اسناد و املاک

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۰۱۰۵۳۰۰۰۱۱۵۲ مورخ ۱۴۰۲/۶/۱۶ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کهریزک تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضی آقای خسرو رادمنش فرزند مراد به ش.ش ۸۳۶ صادره از کهریزک در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۳۰۰۰۰ مترمربع در قسمتی از پلاک ۱۰۸ فرعی از ۱۵۵ اصلی در ازای خریداری از مالک رسمی خسرو رادمنش محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌گردد در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۷/۲۶ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۸/۱۱
م الف ۷۱۸

سیدمحسن سادات حسینی
رئیس ثبت اسناد و املاک

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۰۱۰۵۳۰۰۱۱۵۱ مورخ ۱۴۰۲/۶/۱۶ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کهریزک تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضی خانم فاطمه کشاورز فرزند غلامرضا به ش.ش ۲۸۷ صادره از کهریزک در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۸۳۱۹ مترمربع در قسمتی از پلاک ۸۶ فرعی از ۱۵۵ اصلی در ازای خریداری عادی مع الواسطه از مالک رسمی خانم نرجس قائمی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌گردد در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۷/۲۶
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۸/۱۱ م الف ۷۰۶

سیدمحسن سادات حسینی
رئیس ثبت اسناد و املاک

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۰۱۰۵۳۰۰۰۱۱۴۶ مورخ ۱۴۰۲/۶/۱۶ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کهریزک تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضی آقای منوچهر احمدی فرزند نجف به ش.ش ۱۷۹۱ صادره از کرج در یک و نیم دانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۳۳۴۰۰ مترمربع در قسمتی از پلاک ۱۰۲ فرعی از ۱۵۵ اصلی در ازای خریداری عادی از مالک رسمی آقای محمدرحیم محبوب فریمانی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌گردد در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۷/۲۶
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۸/۱۱ م الف ۷۱۶

سیدمحسن سادات حسینی
رئیس ثبت اسناد و املاک

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۲۶۰۱۰۵۳۰۰۱۳۱۸ مورخ ۱۴۰۲/۷/۱ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کهریزک تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضی آقای محسن شاه میری فرزند محمدتقی به ش.ش ۶۷۰ صادره از کهریزک در سه دانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۰۰۰۰ مترمربع در قسمتی از پلاک ۹۲ فرعی از ۱۵۵ اصلی در ازای خریداری عادی ازمع الواسطه از مالک رسمی حسین ولی زاده اصفهانی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌گردد در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۷/۲۶
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۸/۱۱ م الف ۷۰۸

سیدمحسن سادات حسینی
رئیس ثبت اسناد و املاک

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۰۱۰۵۳۰۰۱۱۵۰ مورخ ۱۴۰۲/۶/۱۶ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کهریزک تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضی آقای ابوالقاسم جوشقانی نژاد فرزند غلامعلی به ش.ش ۷ صادره از کهریزک در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۸۰۰۰ مترمربع در قسمتی از پلاک ۱۰۴ فرعی از ۱۵۵ اصلی در ازای خریداری عادی از مالک رسمی احسان علی نورالهی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌گردد در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۷/۲۶
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۸/۱۱ م الف ۷۱۰

سیدمحسن سادات حسینی
رئیس ثبت اسناد و املاک

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۰۱۰۵۳۰۰۰۱۱۴۷ مورخ ۱۴۰۲/۶/۱۶ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کهریزک تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضی آقای ناصر گلگوئی فرزند رمضان به ش.ش ۴۰۰۳ صادره از شهریار در یک دانگ و نیم مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۳۳۴۰۰ مترمربع در قسمتی از پلاک ۱۰۲ فرعی از ۱۵۵ اصلی در ازای خریداری عادی از مالک رسمی آقای محمدرحیم محبوب فریمانی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌گردد در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۷/۲۶
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۸/۱۱ م الف ۷۱۴

سیدمحسن سادات حسینی
رئیس ثبت اسناد و املاک

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۰۱۰۵۳۰۰۰۱۱۴۵ مورخ ۱۴۰۲/۶/۱۶ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کهریزک تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضی آقای حمید گلگوهی فرزند حسن به ش.ش ۴۷۳ صادره از ورامین در یک دانگ و نیم مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۳۳۴۰۰ مترمربع در قسمتی از پلاک ۱۰۲ فرعی از ۱۵۵ اصلی در ازای خریداری عادی از مالک رسمی آقای محمدرحیم محبوب فریمانی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌گردد در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۷/۲۶
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۸/۱۱ م الف ۷۱۲

سیدمحسن سادات حسینی
رئیس ثبت اسناد و املاک

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی (موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه)

هیات حل اختلاف مستقر در اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان میاندوآب بشرح زیر تصرفات مفروزی و مالکانه اشخاص را تائید و به جهت عدم دسترسی به مالکین مقرر شده است پس از نشر آگهی سند مالکیت رسمی صادر و تسلیم گردد و علیهذا در اجرای ماده ۳ قانون مذکور و آئین نامه اجرایی آن مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز جهت اطلاع مالکین مشاعی و سایر صاحبان حقوق آگهی می‌شود و چنانچه اشخاص اعتراض داشته باشند حداکثر ظرف مدت دو ماه از انتشار اولین آگهی اعتراض کتبی خود را مستقیما به اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان میاندوآب تسلیم نموده و باید یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض به اداره ثبت املاک دادخواست به مرجع ذیصلاح قضایی تقدیم نمایند. در غیراین صورت سند مالکیت مورد تقاضای متصرف براساس مدلول رای صادره در حدود و مقررات صادر خواهد شد و صدور سند مالکیت جدید مانع مراجعه متضرر به دادگاه نخواهد بود.
۱- رای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۱۳۰۰۶۰۰۴۸۵۰ مورخه ۱۴۰۲/۶/۷ تقاضای سلیمان عبیدی فرزند حسین مبنی بر صدور سند مالکیت ششدانگ مغازه قسمتی از پلاک ۶ اصلی بخش ۷ مراغه حوزه ثبتی میاندوآب واقع در میاندوآب کوی قجلو خریداری شده از سهمی خانم عالمه اکبری به شماره پرونده ۱۵۸-۱۴۰۲ هیات به مساحت ۱۴۸/۵۲ مترمربع که برای آن پلاک ۱۱۴۷ فرعی تعیین گردیده است.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۷/۲۶ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۸/۱۱

سعید سیفی
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک میاندوآب

آگهی ماده ۳ تعیین تکلیف ثبت شهرستان پلدختر

۱- رای به صدور سند ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۹۸۳۵ مترمربع قسمتی از پلاک ۲۳ فرعی از ۶ اصلی بخش ۸ پلدختر به نام محمد میری فرزند شمسعلی از مالکیت مالک رسمی قدرت میر
۲- رای به صدور سند ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۷۰۰۰ مترمربع قسمتی از پلاک ۲۳ فرعی از ۶ اصلی بخش ۸ پلدختر به نام محمد میری فرزند شمسعلی از مالکیت مالک رسمی قدرت میر
۳- رای به صدور سند ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۷۴۷۳ مترمربع قسمتی از پلاک ۳۲ فرعی از ۶ اصلی بخش ۸ پلدختر به نام محمد میری فرزند شمسعلی از مالکیت مالک رسمی قدرت میر
۴- رای به صدور سند ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۲۰۵۱ مترمربع قسمتی از پلاک ۲۳ فرعی از ۶ اصلی بخش ۸ پلدختر به نام محمد میری فرزند شمسعلی از مالکیت مالک رسمی قدرت میر
معترضین می‌توانند ظرف ۲ ماه از تاریخ انتشار نوبت اول اعتراض خود را به ثبت محل ارائه نمایند.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۷/۲۶
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۸/۱۱ م الف ۲۴۹

امین عبدی نژاد
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان پلدختر

آگهی ماده ۳ تعیین تکلیف ثبت پلدختر

۱- رای به صدور سند ششدانگ عرصه و اعیان یکباب ایستگاه جایگاه گاز به مساحت ۱۵۱/۴۵ مترمربع قسمتی از پلاک ۳ فرعی از ۵ اصلی بخش ۸ خرم آباد به نام شرکت گاز از مالکیت مالک رسمی آقای تیمور فرهادی معترضین می‌توانند ظرف ۲ ماه از تاریخ انتشار نوبت اول اعتراض خود را به ثبت محل ارائه نمایند.
۲- رای به صدور سند ششدانگ عرصه و اعیان یکباب ایستگاه جایگاه گاز به مساحت ۱۴۹/۵۰ مترمربع قسمتی از پلاک ۱۷ اصلی بخش ۸ خرم آباد به نام شرکت گاز از مالکیت مالک رسمی آقای علی داد ابراهیمی معترضین می‌توانند ظرف ۲ ماه از تاریخ انتشار نوبت اول اعتراض خود را به ثبت محل ارائه نمایند.
معترضین می‌توانند ظرف ۲ ماه از تاریخ انتشار نوبت اول اعتراض خود را به ثبت محل ارائه نمایند.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۷/۲۶
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۸/۱۱ م الف ۲۴۴

امین عبدی نژاد
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان پلدختر

آگهی ماده ۳ تعیین تکلیف ثبت پلدختر

رای به صدور سند ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۶۸۳۵ مترمربع قسمتی از پلاک ۵۳ فرعی از ۱۶ اصلی بخش ۸ خرم آباد به نام آقای مروت ایمانی از مالکیت مالک رسمی شخص خود متقاضی آقای مروت ایمانی معترضین می‌توانند ظرف ۲ ماه از تاریخ انتشار نوبت اول اعتراض خود را به ثبت محل ارائه نمایند.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۷/۲۶
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۸/۱۱ م الف ۲۴۷

امین عبدی نژاد - رئیس ثبت اسناد و املاک

آگهی ماده ۳ تعیین تکلیف ثبت پلدختر

رای به صدور سند ششدانگ عرصه و اعیان یکباب ساختمان به مساحت ۱۹۰/۷۱ مترمربع قسمتی از پلاک ۱ فرعی از ۱۱۶ اصلی بخش ۷ خرم آباد به نام آقای مهدی طاهری اصل از مالکیت مالک رسمی آقای شکراله بهرامی معترضین می‌توانند ظرف ۲ ماه از تاریخ انتشار نوبت اول اعتراض خود را به ثبت محل ارائه نمایند.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۷/۲۶
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۸/۱۱ م الف ۲۴۸

امین عبدی نژاد - رئیس ثبت اسناد و املاک

آگهی ماده ۳ تعیین تکلیف ثبت شهرستان پلدختر

رای به صدور سند ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۶۰۰۰ مترمربع قسمتی از پلاک ۱۰۹۱ فرعی مجزی شده از ۱۱ فرعی از ۱۳ اصلی بخش ۸ پلدختر بنام فروهر بابائی فرزند علی آقا از مالکیت مالک رسمی علی آقا بابائی معترضین می‌توانند ظرف ۲ ماه از تاریخ انتشار نوبت اول اعتراض خود را به ثبت محل ارائه نمایند.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۷/۲۶
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۸/۱۱ م الف ۲۴۶

امین عبدی نژاد
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان پلدختر

آگهی ماده ۳ تعیین تکلیف ثبت پلدختر

رای به صدور سند ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۳۱۴۰/۴۱ مترمربع قسمتی از پلاک ۳۷۰۶ فرعی از ۲ فرعی از ۸ اصلی بخش ۸ خرم آباد به نام آقای وحید ملکی از مالکیت مالک رسمی آقای حسینقلی شرفی و شخص متقاضی معترضین می‌توانند ظرف ۲ ماه از تاریخ انتشار نوبت اول اعتراض خود را به ثبت محل ارائه نمایند.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۷/۲۶
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۸/۱۱ م الف ۲۴۳

امین عبدی نژاد
رئیس ثبت اسناد و املاک

آگهی ماده ۳ تعیین تکلیف ثبت شهرستان پلدختر

۱- رای به صدور سند ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۵۹۷۳/۳۱ مترمربع قسمتی از پلاک ۳۰۸ فرعی از ۴۶ اصلی بخش ۸ پلدختر بنام اردشیر بابائی نژاد فرزند کوچک خان از مالکیت رسمی خود متقاضی
۲- رای به صدور سند ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۹۹۴/۴۱ مترمربع قسمتی از پلاک ۳۰۸ فرعی از ۴۶ اصلی بخش ۸ پلدختر بنام علی شیر بابائی نژاد فرزند کوچک خان از مالکیت رسمی خود متقاضی
معترضین می‌توانند ظرف ۲ ماه از تاریخ انتشار نوبت اول اعتراض خود را به ثبت محل ارائه نمایند.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۷/۲۶
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۸/۱۱
م الف ۲۴۵

امین عبدی نژاد
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان پلدختر

آگهی ماده ۳ تعیین تکلیف ثبت شهرستان پلدختر

۱- رای به صدور سند ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۰۰۰۰ مترمربع قسمتی از پلاک ۳۳ فرعی از ۶ اصلی بخش ۷ پلدختر نورمحمد کوشکی فرزند حاجی مراد از مالکیت مالک رسمی حاجی مراد
۲- رای به صدور سند ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۸۵۱۱/۸۵ مترمربع قسمتی از پلاک ۳۳ فرعی از ۶ اصلی بخش ۷ پلدختر نورمحمد کوشکی فرزند حاجی مراد از مالکیت مالک رسمی حاجی مراد
۳- رای به صدور سند ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۶۱۹۱ مترمربع قسمتی از پلاک ۳۳ فرعی از ۶ اصلی بخش ۷ پلدختر نورمحمد کوشکی فرزند حاجی مراد از مالکیت مالک رسمی حاجی مراد
۴- رای به صدور سند ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۴۹۴/۷۷ مترمربع قسمتی از پلاک ۳۳ فرعی از ۶ اصلی بخش ۷ پلدختر نورمحمد کوشکی فرزند حاجی مراد از مالکیت مالک رسمی حاجی مراد
معترضین می‌توانند ظرف ۲ ماه از تاریخ انتشار نوبت اول اعتراض خود را به ثبت محل ارائه نمایند.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۷/۲۶
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۸/۱۱ م الف ۱۵۸۷۱۱۵

امین عبدی نژاد
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان پلدختر

آگهی ماده ۳ تعیین تکلیف ثبت پلدختر

رای به صدور سند ششدانگ زمین مزروعی به مساحت ۷۴۱۲/۱۵ مترمربع قسمتی از پلاک ۶۴۹ فرعی از ۵۳ فرعی از ۱۶ اصلی بخش ۸ خرم آباد به نام آقای حسین آقا خوشبختی از مالکیت مالک رسمی آقای صیدهادی خوشبختی معترضین می‌توانند ظرف ۲ ماه از تاریخ انتشار نوبت اول اعتراض خود را به ثبت محل ارائه نمایند.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۷/۲۶
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۸/۱۱ م الف ۲۵۰

امین عبدی نژاد
رئیس ثبت اسناد و املاک

آگهی ماده ۳ تعیین تکلیف ثبت پلدختر

رای به صدور سند ششدانگ زمین مزروعی به مساحت ۱۰۰۰۰ مترمربع قسمتی از پلاک ۱ فرعی از ۱۶ اصلی بخش ۸ خرم آباد به نام آقای مجتبی اصلانی از مالکیت مالک رسمی آقای نوراله رحمتی معترضین می‌توانند ظرف ۲ ماه از تاریخ انتشار نوبت اول اعتراض خود را به ثبت محل ارائه نمایند.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۷/۲۶
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۸/۱۱
م الف ۲۰۸

امین عبدی نژاد
رئیس ثبت اسناد و املاک

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی حوزه ثبت تایباد

نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۹/۲۰ املاک متقاضیان که در هیات موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در بخش ۱۴ مشهد واحد ثبتی شهرستان تایباد مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه و بلامعارض آن محرز و رای لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل آگهی می‌گردد:
آقای محمد اعظمی نسب به ش.ش ۰ کدملی ۰۷۴۱۰۵۹۵۱۷ صادره تایباد فرزند دادمحمد در ششدانگ یکباب منزل به مساحت ۱۳۱/۶۳ مترمربع پلاک شماره ۱۸۱ فرعی از ۲۵۱ اصلی واقع در خراسان رضوی بخش ۱۴ مشهد حوزه ثبت ملک تایباد و از محل قسمتی از مالکیت مرحوم عبدالعلی نورانی و قسمتی از پلاک ** ۴۳۵-۱۴۰۱
لذا به موجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ آئین نامه مربوطه این آگهی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق روزنامه کثیرالانتشار منتشر تا در صورتی که اشخاص ذینفع به آرای اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین آگهی تا دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و رسید اخذ نمایند. معترضین باید ظرف یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نمایند و گواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل تحویل دهد که در این صورت اقدامات ثبت موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است و در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می‌نماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۷/۲۶
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۸/۱۱
م الف ۱۷۷۶

منصور فاضلی
سرپرست ثبت اسناد و املاک تایباد

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی حوزه ثبت تایباد

نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۹/۲۰ املاک متقاضیان که در هیات موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در بخش ۱۴ مشهد واحد ثبتی شهرستان تایباد مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه و بلامعارض آن محرز و رای لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل آگهی می‌گردد:
آقای امان اله یوسفی سورانی به ش.ش ۶۱۹ کدملی ۰۷۴۹۰۰۷۲۲۵۳ صادره تایباد فرزند محمدعلی در ششدانگ یکباب منزل به مساحت ۲۴۹/۰۷ مترمربع پلاک شماره ۵۴ فرعی از ۲۵۶ اصلی واقع در خراسان رضوی بخش ۱۴ مشهد حوزه ثبت ملک تایباد و از محل قسمتی از مالکیت محمدرضا حنفی و قسمتی از پلاک ** ۱۹۵-۱۴۰۲
لذا به موجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ آئین نامه مربوطه این آگهی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق روزنامه کثیرالانتشار منتشر تا در صورتی که اشخاص ذینفع به آرای اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین آگهی تا دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و رسید اخذ نمایند. معترضین باید ظرف یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نمایند و گواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل تحویل دهد که در این صورت اقدامات ثبت موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است و در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می‌نماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۷/۲۶
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۸/۱۱ م الف ۱۷۷۵

منصور فاضلی
سرپرست ثبت اسناد و املاک تایباد

آگهی فقدان سند

آقای سجا آقائی بموجب وکالتنامه شماره ۱۴۶۱۲ مورخ ۱۴۰۲/۵/۲۸ دفترخانه ۵۷۸ تهران از طرف مالک سه دانگ مشاع از ششدانگ یکدستگاه آپارتمان مسکونی به پلاک ثبتی ۴۷۹۸۴ فرعی از ۴۷ اصلی، مفروز و مجزا شده از ۴۰۰۶ فرعی از اصلی مذکور، قطعه ۱۱ واقع در ابراهیم آباد حوزه ثبت ملک شهریار استان تهران به مساحت ۹۶٫۲ مترمربع واقع در مرکز طبقه چهارم بنام خانم ملیحه سادات / سالاری فرزند سید علی محمد شماره شناسنامه ۱۱۰۴۸۲ تاریخ تولد ۱۳۶۷/۰۷/۰۷ صادره از تهران دارای شماره ملی ۰۰۷۸۵۶۷۲۴۶ به استناد دوبرگ استشهادیه محلی مصدق شده در دفتر اسناد رسمی شماره ۱۴ شهر قدس باشناسه یکتا ۱۴۰۲۰۲۱۵۸۴۳۳۰۰۰۱۱۲۴ مدعی است سند مالکیت اصلی به شماره چاپی ۰۹۶۹۱۹ / ۵ / ۱۴۰۰ به شماره دفتر الکترونیک ۱۴۰۱۲۰۳۰۱۰۵۷۰۰۲۱۸۲۴ که برابر سند ۱۹۰۵۹ تاریخ ۱۳۹۸/۰۳/۰۲ دفترخانه اسناد رسمی شماره ۲۷ شهریار از آقایان رجبعلی صفائی کیا و محمد رضائی به ایشان انتقال گردیده بوده است و به علت جابه جایی مفقود گردیده تقاضای صدور سند مالکیت المثنی نموده است لذا مراتب باستناد ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت در یک نوبت آگهی می‌شود تا چنانچه کسی مدعی انجام معامله نسبت به پلاک فوق و یا سند مالکیت نزد خود میباشد از تاریخ انتشار آگهی ظرف مدت ده روز اعتراض خود را کتبا با ضمیمه سند معامله به این اداره تسلیم و رسید دریافت نمایند در غیر اینصورت پس از انقضای مدت مذکور و نرسیدن و اخواهی نسبت به صدور سند مالکیت المثنی طبق مقررات اقدام خواهد شد.
م الف ۱۰۸۷۰

مهدی ناصری - رئیس واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شهریار